

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

علائق ناهمگون در بستر تمایلات مشترک

بابدشگونی خوابهای بد، تاوان‌های پس و پیش را باید پرداخت
باخت در عرصه جنگی و عودت به واقعیت‌های عینی زندگی

تهدید حاکمیت ملی و تحدید استقلال سیاسی کشور
خواب‌هایی که در حال آشفته شدن می‌باشند
در معرض خطر قرار گرفتن منافع ملی
نحوه عملکرد حامیان نگاه به شرق

بعقیده هگل، هر چیزی هنگامی که ضرورتی از یک مرحله به مرحله دیگری می‌رود، پیشینه تاریخی خود یا فرآیندی را که بآن حرکت در رسیدن بمرحله بعد انجامیده است، در درون با خود حمل می‌نماید. زمانی نظامی برمیافتد و نظام دیگری جانشین آن میشود، نظام جدید، جبرن حاوی عناصری از نظام قدیم وارد صحنه گردیده و در سیر تکاملی خود باید آن عناصر را به سطح یا سنتز بالاتری ارتقا دهد. طبق فلسفه هگل، هر روندی همواره حاوی گام‌هایی می‌باشد که بآن انجامیده است. پرسشی که در این مقطع مطرح می‌گردد اینست که آیا ما بپدیده نوینی روبرو هستیم که از گذشته گسست کامل دارد؟ یا اینکه روندی پنداشته می‌شود که ریشه در اعماق تاریخ دارد؟ با نگرش تاریخی باید به سیر و حرکت زندگی بشر نگاه کرد.

در ابتدا و آغاز امر، با در نظر داشت مطالب گفته آمده در فوق که می‌توان آنرا بمتابیه کلیات پنداشت، با اختصار و جزئیات در مورد موضعگیری و مؤقف کنونی شورای عالی مصالحه در کشور، باید باین پرسش پاسخ ارائه گردد که آیا بحثها در مورد چگونگی ایجاد و برپایی حکومت مؤقت با سهمگیری جنبش "طالب"ها آغاز خواهد گردید؟ زمانیکه قرار است طرف‌های داخلی (خودی) درگیریهای مسلحانه در کشور، بویژه پس از تبادل زندان به مذاکره و گفتگوهای مستقیم حاضر شده و همه طرف‌ها، بویژه طرفهای افغانی درگیری، کلیه مسایل و موضوعات مطرح را در میز مذاکره باهم یکجا و با جمع مغز سرد مورد بررسی و مطالعه قرار داده و راه حل مناسب و طرف پذیرش طرف‌های درگیر برگزیده شود. در مورد مسأله یادشده باید اظهار نمود که دولت بایست سعی ورزد تا هیچ عامل و هیچکدام موردی بمفهوم وسیع کلمه، نباید مانع دستیابی باشندهای کشور ما به صلح دائمی و امنیت پایدار گردد، چه، مأمول یادشده، از جمله آرزومندی‌های همیشگی کلیه شهروندان کشور بشمول "طالب"ها محسوب می‌گردد.

در اعلامیه ای که از جانب ریاست شورای عالی مصالحه ملی برهبری عبدالله به نشر رسیده، آمده است که در زمینه، دولت باید گام‌های استوار و بلندی را بمنظور استقرار و تأمین امنیت و صلح سراسری در کشور برداشته و از چنین فرصت پیش آمده باید حداعظمی استفاده بعمل آید. موضعگیری کنونی شورای عالی مصالحه با مؤقف قبلی اشرف غنی مبنی برواگذاری پست ریاست جمهوری توسط نامبرده از رهگذر بسیاری از مسایل موجود، در تناقض قرار می‌گیرد. در قبال دولتمداران و گروه‌های سهیم در سلسله مراتب قدرت سیاسی این پرسش مطرح می‌گردد که آیا آنها حاضر به پایه‌گذاری و تشکیل حکومت مؤقت باشندتراک تمامی گروه‌ها و نیروهای موجود که از جانب "طالب"ها در مورد یادشده اصرار ورزیده می‌شود، موافق خواهند بود؟ اما در مورد، غنی متذکر گردید که هرگونه بحثی در مورد مسایل درونی و داخلی بویژه در ارتباط با دولت و چگونگی حاکمیت سیاسی

کشور در وضعیت و شرایط کنونی، قبل از موقع پنداشته می شود. نامبرده ادامه داده افزود که وی در خدمت همشهریان کشورش بوده و در زمینه، با اجرای صادقانه وظایف و مسئولیت هایش همت میگذارد نه مطابق میل و هدایت "طالب"ها. اما پرسشی ذهن همه را بخود مشغول مینماید که آیا تا هنوز هم دفتر ریاست جمهوری در قبال اظهارات و گفته های رئیس شورای عالی مصالحه، واکنشی بعمل نیآورده است؟ در این مقطع باین سؤال باید پاسخ ارائه گردد که آیا حاکمیت مرکزی کشور، قبل از آغاز مذاکرات با "طالب"ها دچار چنددستگی نخواهد شد؟

اطلاق های فکرواندیشه و مراکز تحقیقاتی ایالات متحده هشدار داده اند که فساد سیستماتیک موجود در داخل دستگاه اداره دولت افغانستان، سبب تضعیف موقف حاکمیت سیاسی کنونی در امر مذاکرات و گفتگوهای صلح با "طالب"ها خواهد گردید. این درحالیست که "طالب"ها بالاخره به امر مذاکره و گفتگو با نماینده های حاکمیت سیاسی کشور توافق نموده و بمنظور سازماندهی مذاکرات گفته شده، آمادگی شان را ابراز نمودند.

جان سپکو، بازرس ویژه در امر بازسازی افغانستان اظهار نمود که "طالب"ها و سایر مخالفان جمهوری اسلامی افغانستان، بخوبی آگاهند که فساد در دستگاه اداره دولت، سبب می گردد تا حاکمیت سیاسی کشور حمایت شهر و ندانش را که همه روزه در آرزوی کاروتلاش بمنظور تهیه نفقه خود و خانوارشان بدون موجودیت قلدری و ترس و هراس می باشند، از کف می دهد.

در این میان، هفته قبل در حدود ۵۰ تن از فعالان جامعه مدنی در کابل ضمن سازماندهی و انجام راهپیمایی علیه فساد در دستگاه اداره دولت، به صندوق بین المللی پول گوشزد نمودند که ارائه کمک ۲۲۰ میلیون دالری آن بانک بمنظور مبارزه علیه پخش و گسترش ویروس کرونا نباید حیف و میل گردیده، بلکه بمنظور هدف یادشده باید هزینه گردد.

شرکت کنندهای راهپیمایی، صدای اعتراض شان را مبنی بر حیف و میل میلیاردها دالر معاونت های بین المللی بگوش جهانیان رسانیدند. نجیب الله آزاد که در رأس گروهی از حقوقدانان در راهپیمایی یادشده شرکت داشت، اظهار نمود که معاونت ها و کمک های بین المللی توسط ارادهای فساد در دستگاه اداره دولت بلع می گردد. آنها همچنان از حیف و میل مبلغ ۲۲۰ میلیون دالری که قبل از آن تذکر بعمل آمد نیز یادآوری بعمل آوردند.

سپکو همچنان با انتقاد از اشرف غنی اظهار نمود که نامبرده صرف در حرف، مبارزه علیه فساد را شعار داده اما در عمل در تغییر وضعیت ناهنجار کنونی دست بکار نشده و مجرمین بزرگ و دانه درشت های فساد اصلن مورد پیگرد قانونی قرار نمی گیرند.

نامبرده علاوه نموده افزود که سکتور خصوصی وبگونه ویژه، سرمایه گذاری های خارجی اصلن در مورد دستیابی به سود و منفعت بیشتر می اندیشند تا در مورد رفع نابسامانی های موجود و مبارزه علیه فساد اداری در ارتش و دولت.

رهبران کشور باید باین واقعیت گردن نهند که در نهایت امر در قیاس با سرمایه گذاری های خارجی، این سرمایه بخش خصوصی است که بمنظور اعمار آینده کشور ما از اهمیت فوق العاده بسزایی برخوردار می باشد که بدلیل گفته آمده، طی مدت زمان ۱۹ سال جنگ دول کشورهای بیگانه بشمول ایالات متحده، از ارائه کمک و معاونت به افغانستان واقعن در مانده شده اند.

اهدأ کننده های بین المللی، ۷۵ درصد از بودجه عملیاتی کشور را تحت پوشش قرار می دهند. تنها ایالات متحده سالانه مبلغ ۴ میلیارد دالربه ساختارهای قدرت دولت افغانستان کمک می نماید.

سخنگوی ریاست جمهوری کشور، در پاسخ باینهمه اتهامات وارده از جانب جان سپکو، اظهار نمود که دولت بمثابه یک مجموعه در امر مبارزه با فساد و مقابله با سوؤاستفاده، فعالیت های چشمگیری انجام داده که آنهمه را باید منصفانه در نظر داشت.

در مورد مذاکرات صلح در کشور، در شورای امنیت سازمان ملل اظهار امیدواری بعمل آمد که مطابق فیصله قبلی، مذاکرات میان افغانی طی ماه روان در قطر، جایی که در آن دفتر سیاسی "طالب"ها نیز موقعیت دارد، گشایش خواهد یافت.

در اقدام دیگر، سازمان ملل از دولت افغانستان و "طالب"ها تقاضا بعمل آورد تا از تداوم درگیری های مسلحانه که در نتیجه آن بیشترین آسیب متوجه مردمان و شهروندان ملکی کشور می گردد، اجتناب بعمل آورند.

عدم رضایت مأموریت سازمان ملل در افغانستان، طی اعلامیه منتشر شده بروز پنجشنبه پسین، در مورد تداوم

درگیری های مسلحانه و اخلاص وضعیت امنیتی و قطع و یا توقف ارائه کمک ها و معاونت های بهداشتی برای شهروندان نیازمند کشور، ابراز گردیده است.

در اعلامیه همچنان از این واقعیت تذکر بعمل آمده که پس از توافقات و تعاملاتی میان "طالب" ها و ایالات متحده درگیری های مسلحانه، بیش از پیش و بگونه بیسابقه ای تشدید گردیده و از دید قابل ملاحظه ای حاصل نموده است.

چندان بيمورد بنظر نمی رسد تا در مورد برنامه های دونالد ترامپ در عرصه مربوط به فراخواندن نظامیان امریکایی از کشور ما الی پایان سال روان ترسایي نیز باید یادآور شد که در پایان سال روان، قرار است انتخابات ریاست جمهوری در آن کشور برگزار گردد. برخی ها چنین تصور مینمایند که رهبری کاخ سپید در نظر دارد تا با فراخواندن نظامیان امریکایی از اراضی کشور ما، در انتخابات یادشده، با برگ برنده ای حضور یابد. اما دست اندرکاران مسایل مربوط بوقایع کشور ما چنین تصویری نمایند که هرچه زودتر نظامیان امریکایی باید سرزمین افغان ها را ترک نموده و به خانه هایشان برگردند، چون ایالات متحده وقوت های مسلح آن کشور در افغانستان نه بمثابه فاتح میدان، بلکه بمثابه بازنده جنگ بوده و مدت ها قبل، جنگ در افغانستان را باخته اند. چنانچه وسایل اطلاعات جمعی، بکرات این واقعیت را گوشزد می نمایند که آن کشور، جنگ در افغانستان را باخته و نظامیان آن کشور هرچه زودتر باید بکشورشان فراخوانده شوند.

در شماری از نشرات امریکایی چنین تذکر بعمل آمده که بدون شک، شنیدن این واقعیت همه را بهت زده خواهد نمود که وضعیت در افغانستان کاملن متشنج بوده و هرج و مرج سرپای جامعه افغانی را فرا گرفته است. در مجموعه تفاهم و حصول توافق صلح زمستان پسین، ایالات متحده متعهد به فراخواندن تمامی نظامیان آن کشور از افغانستان الی ماه می سال ۲۰۲۱ آنهم طبق شرایط، از جمله عیار شدن "طالب" ها با شرایط و وضعیت جدید در کشور شده است. اما چنین نشد و گروه "طالب" ها، بویژه پس از امضای توافقنامه یادشده با ایالات متحده همه روزه به قتل و کشتار نظامیان و شهروندان ملکی کشور مبادرت می ورزند.

طبق اطلاعات و آخرین اخبار، رئیس جمهور ترامپ در صورت امکان، در صدد تسریع روند خروج تمامی نظامیان آن کشور از افغانستان سعی ورزیده و در نظر دارد تا همه ی آنها را الی پایان سال آینده از کشور ما فراخواند. شخصیت های رسمی در وزارت دفاع ایالات متحده چنین می پندارند که دونالد ترامپ بزودی در قبال گزینه های پنجگانه ختم جنگ در افغانستان، ناگزیر به برگزیدن یکی از گزینه های یادشده خواهد بود. عده ای در ایالات متحده معتقدند که کشورشان جنگ در افغانستان را باخته و اکنون زمان آن فرارسیده تا نظا میان پنتاگون به خانه برگردانده شوند.

سنااتور لیندسی گراهام، قبلن اظهار نموده بود که برنامه خروج فوری نظامیان امریکایی از افغانستان، واقعن ناراحت کننده محسوب می گردد.

نامبرده ادامه داده افزود کاین کاملن مفهوم می باشد که دونالد ترامپ نه بگونه تصادفی، بلکه بصورت آگاهانه، اصل برنامه فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان رالی ماه نوامبر سال روان، یعنی قبل از تدویر انتخابات ریاست جمهوری آن کشور مطرح بحث قرار داده است.

ترامپ بگونه قطع مطمئن است که فراخواندن همه نظامیان امریکایی بخانه، کمک بزرگی برای نامبرده در کارزارهای انتخابات ریاست جمهوری پیشرو در کشورش فراهم خواهد نمود. همچنان عده ای مدعی اند که بدلیل یادشده، رهبری کاخ سپید در پی خروج همه نظامیان آن کشور از افغانستان آنهم در اندکترین مدت زمان می باشد.

یادآوری هایی نیز حاکی از این واقعیت بعمل می آید که فراخواندن نظامیان آن کشور از افغانستان هرچه زودتر صورت عملی بخود اختیار نماید، بهتر و صرفه تر خواهد بود.

در امتداد ۱۹ سال جنگ و آدمکشی در کشور ما، جنرالان و نظامیان امریکایی با چهره های حق بجانب در جلسات کنگرس ایالات متحده ادعا نمودند که "شاهین جنگ" در افغانستان را در اختیار داشته و پیروزی حتمی در انتظار آنها می باشد. در غیر آن، ترک افغانستان توسط نظامیان ایالات متحده، برهم خوردن امنیت در منطقه و رشد تروریسم بین المللی را بدنبال خواهد داشت.

نظامیان امریکایی چنین میندازند که زمان آن فرارسیده است تا این واقعیت را بپذیریم که جنگ در افغانستان را باخته و هرگز موفق بحصول پیروزی در آن کشور نخواهیم شد. آنها متیقن اند کاین در نوع خود بمثابه اعتراف

در دناکی به واقعیت های موجود در افغانستان پنداشته می شود. اما این یک واقعیت شمرده میشود که بسیاری از نظامیان بخوبی و آنچه انتظار برده می شد، جنگیدند تا کشور ما را از آرازل و آوایش های مذهبی "طالب" ها نجات بخشند.

نباید فراموش نمود که بسیاری از هموطنان افغان ما که به کمک و یاری نظامیان امریکایی در افغانستان شتافتند، به یقین که پس از عودت و فراخوانی نظامیان یادشده بکشورشان، ممکن مورد آزار و اذیت قرار داده شده و همچنان در نتیجه با چنین اقدامی بمنظور فراخواندن نظامیان امریکایی به کشورشان، با افغانستان بی ثبات و حتا منطقه مملو از هرج و مرج مواجه خواهیم گردید که بخودی خود نتیجه مستقیم جنگ ایالات متحده در کشور ما محسوب می گردد.

بسیاری از کارشناسان نظامی در ایالات متحده معتقدند که کشورشان نباید قربانی این اشتباه و خطا گردیده و ضرر جبران ناپذیری را از این ناحیه متقبل گردد.

ایالات متحده اینک ۱۹ سال در کشور عزیز ما به موجودیت و حضور سنگین نظامی اش ادامه داده که در امتداد آن با کشته شدن ۲۳۰۰ تن از نظامیان امریکایی و هزینه نمودن تریلیون ها دالر، اما قادر نگردیدند تا به هدف دلخواه شان نایل گردند.

این امکان نیز عملن برای امریکایی ها موجود می باشد تا فردا کشور ما را ترک نموده و بیش از این، انسان ها را از زندگی ساقط نموده، آنها را بگورستان ها سوق نداده و در این تجارت بد نام، بیشتر از این، حتا یک دالر هم هزینه ننمایند.

اگر دیگران بگونه بدبینانه موضعگیری ننمایند، امروز ما افغانها فرصتهای بیشتری بمنظور انجام عملکردهایی که نفع همشهریان کشور ما در آن مضمرباشد، عملن در اختیار داریم. اما با استفاده و بکارگیری از امکانات موجود، بویژه پس از پایان درگیری های مسلحانه در کشور، خواهان بهترین مناسبات و ایجاد روابط مبتنی بر حسن نیت و احترام به حاکمیت ملی و استقلال سیاسی کشورها می باشیم. همچنین نباید فراموش خاطر ما شود که در اراضی کشور عزیز ما افغانستان، هم منافع فدراسیون روسیه و هم منافع مشروع ایالات متحده بمفهوم وسیع کلمه هماهنگ گردیده است. اما زنجیره های دوگانه بگونه جعلی نامگذاری شده اند که عبارتند از: تلاش های دموکرات ها با استفاده و بکارگیری از کلیه وسایل و امکانات موجود بمنظور کنار گذاشتن دونالد ترامپ، این اولن؛

و دوم هم تلاش بمنظور به شکست مبدل نمودن کامل تلاش ها و اقدامات ایالات متحده و در مجموع اثبات ناکار آمدی و عدم مؤثریت سیاست های اداره و اشنگتن در افغانستان.

رهبری ایالات متحده در واشنگتن با استفاده از حیل گوناگون بهانه می گیرند که وضعیت در افغانستان آنها را واقعن عصبانی نموده است.

آنها که بیست سال قبل از زمین و هوأ بر سر زمین کشور ما لشکرکشی نمودند، حتا در خواب هم تصور نمی نمودند که وزیر خارجه کشورشان بگونه مستقیم با رهبران گروه تروریستی، به ملاقات و مذاکره پرداخته و در زمینه های مختلفی با آنها به توافق و تفاهم نایل می گردد.

اما نباید فراموش نمود که قتل عام "طالب" ها بمنظور اجرای دستور کسی و یا مقامی، اصلن مقدور و ممکن نمی باشد. چنین ادعاهایی نیز بگوش می رسد که "طالب" ها بهیچ شخص دیگری و به تصمیم های هیچ مقام و مرجعی تن در نمی دهند، چه آنها از امکانات و زمینه های مالی و مادی فراوانی برخوردار بوده و در طول زمان موجودیت شان، حلقه دوستان و هواخواهان خویش را نیربیش از پیش گسترش بخشیده اند.

یکشنبه ۱۵ ماه سرطان سال ۱۳۹۹ خورشیدی